



Iran's Criminal Policymaking Approach to the Criminal Justice System in the Era of Globalization

Ali Samadi Andzaghi¹, Behrouz Norouzi^{2*}, Iran Soleimani³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Ard.C., Islamic Azad University, Ardebil, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Ard.C., Islamic Azad University, Ardebil, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Jurisprudence and Islamic Law, Ard.C., Islamic Azad University, Ardebil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research
Pages: 56-73

Corresponding Author's Info
ORCID: 0009-0004-0533-5106
TELL: +989141570875
Email: noroozi5757@iaua.ac.ir

Article history:

Received: 28 Nov 2025

Revised: 03 Mar 2026

Accepted: 22 Apr 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Criminal Policymaking,
Criminal Justice,
Globalization, Victim Rights,
Offender Rights.

ABSTRACT

Criminal policy toward the criminal justice system has undergone significant transformations in the era of globalization. Within the context of globalization, the rights of victims, offenders, and society have increasingly been recognized as the core components of criminal justice. The fundamental question addressed in this study is how Iran's criminal policy toward the criminal justice system has responded to the era of globalization and what transformations it has undergone under this influence. This article adopts a descriptive-analytical approach and examines the research question through a library-based method. The data have been collected directly from documentary and written sources. The findings indicate that Iran's criminal policy has adopted a multilayered and integrative approach in response to this global trend, which may be described as a "globalized Islamic criminal justice model." Within this model, Iran's criminal policy, while preserving fundamental jurisprudential principles such as human dignity, has partially aligned itself with international norms, including restorative justice principles and human rights standards concerning the rights of suspects and offenders, as well as the rights of victims. In fact, Iran's criminal policy, in reaction to these transformations, has sought—through the lens of Islamic jurisprudence and criminal policy—to establish a balance between the protection of victims and the preservation of offenders' dignity, a balance that reflects restorative justice and respect for human dignity within the framework of Sharia.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Samadi Andzaghi, A; Norouzi, B & Soleimani, I (2026). "Iran's Criminal Policymaking Approach to the Criminal Justice System in the Era of Globalization". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(3): 56-73.



دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

رویکرد سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به نظام عدالت کیفری در عصر جهانی‌شدن

علی صمدی اندزقی^۱، بهروز نوروزی^{۲*}، ایران سلیمانی^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

سیاست‌گذاری جنایی نسبت به نظام عدالت کیفری در عصر جهانی‌شدن دچار تحولات مهمی شده است. در بستر جهانی‌شدن، حقوق بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه به‌عنوان عناصر اصلی عدالت کیفری مورد توجه قرار گرفته است. سؤال اساسی این است که تحت این تأثیر سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به نظام عدالت کیفری در عصر جهانی‌شدن چه رویکردی اتخاذ کرده و دچار چه تحولی شده است؟ این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. در این پژوهش، داده‌ها به‌صورت مستقیم از منابع اسنادی و مکتوب گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، سیاست‌گذاری جنایی ایران نیز در برابر این روند، رویکردی چندلایه و تلفیقی اتخاذ کرده است که می‌توان آن را «الگوی عدالت کیفری اسلامی جهانی‌شده» نامید. در این الگو، سیاست‌گذاری جنایی ایران ضمن حفظ مبانی فقهی چون کرامت انسانی تا حدی با هنجارهای بین‌المللی از جمله اصول عدالت ترمیمی حقوق بشر در زمینه حقوق متهم و بزه‌کار و حقوق بزه‌دیده همراه شده است. در واقع، سیاست‌گذاری جنایی ایران نیز در واکنش به این دگرگونی، از منظر فقه اسلامی و سیاست‌گذاری جنایی، تلاش کرده تعادل میان حمایت از بزه‌دیده و رعایت کرامت بزه‌کار را برقرار کند؛ تعادلی که بازتابی از عدالت ترمیمی و کرامت انسانی در چارچوب شریعت است. نتیجه اینکه، سیاست‌گذاری عدالت کیفری ایران در مسیر ایجاد مدلی از عدالت پاسخگو و بومی‌سازی شده جهانی قرار دارد که از یک‌سو، از فشار همسان‌سازی فرهنگی مصون مانده و از سوی دیگر، خود را به منطق عقلانیت جهانی در تضمین کرامت، پاسخگویی نهادی و حمایت از منافع جمعی نزدیک کرده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۳-۵۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۱۰۶-۵۳۳۳-۰۰۴-۰۰۹-۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۴۱۵۷۰۸۷۵

ایمیل: noroozi5757@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

سیاست‌گذاری جنایی، عدالت کیفری، جهانی‌شدن، حقوق بزه‌دیده، حقوق بزه‌کار.



مقدمه

جهانی‌شدن، تنها مفهومی اقتصادی یا فناورانه نیست؛ بلکه پدیده‌ای چند بعدی است که به عرصه‌ی حقوق، سیاست، فرهنگ و به‌ویژه عدالت کیفری نفوذ کرده است. این فرایند با درهم‌تنیدگی ارزش‌ها، قواعد و سازوکارهای بین‌المللی، مرز میان نظام‌های ملی عدالت کیفری را کمرنگ ساخته و موجب شکل‌گیری نوعی سیاست‌گذاری جنایی فراملی و متعامل گشته است. مفهوم «جهانی‌شدن» در حوزه عدالت کیفری به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن نظام‌های عدالت کیفری ملی، تحت تأثیر تحولات فراملی، بین‌المللی و جهانی، به تدریج از انحصار صرف حاکمیت دولت‌ها خارج شده و به سمت همگرایی هنجاری، نهادی و رویه‌ای حرکت می‌کنند. در این چارچوب، قواعد، اصول و استانداردهای کیفری که پیش‌تر صرفاً در قلمرو حقوق داخلی اعمال می‌شدند، متأثر از اسناد بین‌المللی، رویه‌های قضایی فراملی، نهادهای بین‌المللی و ارزش‌های مشترک جهانی، دچار تحول می‌شوند.

یکی از ابعاد مهم و مؤثر فرایند جهانی‌شدن، بعد حقوقی آن و به‌ویژه حقوق کیفری و عدالت کیفری است. جهانی‌شدن، فراتر از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، در حوزه حقوق نیز تأثیر ژرف بر جای گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که قواعد و نظام‌های کیفری ملی به تدریج از انزوای حقوق داخلی فاصله گرفته و به‌سوی همگرایی هنجاری و تعامل بین‌المللی حرکت کرده‌اند. تحولات شتابان جهانی‌شدن در دهه‌های اخیر، ساختار و فلسفه‌ی نظام‌های عدالت کیفری را در سراسر جهان دستخوش دگرگونی کرده است. گسترش ارتباطات بین‌المللی، افزایش جرائم فراملی و انتقال ارزش‌های حقوق بشری از نظام‌های ملی به عرصه‌ی جهانی، سبب شده است سیاست‌گذاری جنایی جهانی از الگوی سنتی مجازات‌محور به سمت عدالت ترمیمی و انسان‌محور حرکت کند (رابرتس، ۱۴۰۰: ۴). در چنین فضایی، سیاست‌های کیفری دیگر صرفاً ابزار کنترل بزهکاری داخلی نیستند، بلکه بخشی از شبکه‌ی وسیع‌تری از همکاری‌ها و مسؤولیت‌های جهانی محسوب می‌شوند که بر مبنای کرامت انسانی و صلح اجتماعی شکل می‌گیرد. در نتیجه، سیاست‌گذاری جنایی عدالت جهانی در بستر جهانی‌شدن، از مدل «اقتدارگرایانه و مجازات‌محور» به الگوی انسانی، شفاف

و مبتنی بر ترمیم اجتماعی تغییر یافته است. این تحول نه تنها ساختار عدالت جهانی را متحول کرده، بلکه نگرش دولت‌ها به نقش جرم، مجرم، بزه‌دیده و جامعه را دگرگون ساخته است.

یکی از برجسته‌ترین نتایج جهانی‌شدن، جهانی‌شدن معیارهای حقوق بشر در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری جنایی است. اسناد بین‌المللی چون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) و اعلامیه‌ی حقوق بزه‌دیدگان (۱۹۸۵) سبب شدند که حقوق بشر از یک شعار اخلاقی به معیار سنجش مشروعیت نظام‌های کیفری تبدیل شود. تحت تأثیر جهانی‌شدن، عدالت کیفری در کنار کنشگران، دارای نهادها و فرایندهای رسیدگی، مبتنی بر یک سلسله قواعد، مقررات و اصول است. یعنی مبتنی است بر اصولی که بر مبنای آن، نهادها و کنشگران عدالت کیفری یا پروسه قضایی کیفری در چارچوب مفاهیمی همچون دادرسی عادلانه با متهم و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده، با هم کار می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۵). امروزه عدالت کیفری یکی از حوزه‌های مهم علوم جنایی تجربی است؛ حوزه‌ای که اتفاقاً در بحث‌های علوم جنایی و سیاست‌گذاری جنایی در ایران درباره آن کمتر تأملات نظری و پژوهش‌های تجربی صورت گرفته است. پرسش اصلی این است که رویکرد سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به نظام عدالت کیفری در عصر جهانی‌شدن چگونه بوده است؟ به عبارتی روند جهانی‌شدن چه تأثیری بر سیاست‌گذاری جنایی ایران بر جای نهاده و این تأثیر تا چه اندازه موجب تحول مفهومی و نهادی در عدالت کیفری کشور شده است؟ ضرورت بررسی این پرسش از آن جهت است که شناخت ابعاد تأثیر جهانی‌شدن، می‌تواند به بازنگری علمی و آگاهانه در سیاست‌های کیفری کشور کمک کند؛ به‌گونه‌ای که ایران ضمن حفظ استقلال حقوقی و فرهنگی خویش، بتواند از ظرفیت‌های مثبت عدالت جهانی برای تحقق عدالت کارآمد، انسانی و پاسخ‌گو بهره‌گیرد. در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مطرح‌شده، در مقاله حاضر، به موازات عناصر کلیدی عدالت کیفری شامل حقوق بزه‌دیده، حقوق بزهکار و حقوق جامعه، ابتدا سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به حقوق بزه‌دیده در عصر جهانی‌شدن، سپس سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به حقوق بزهکار در عصر جهانی‌شدن و در نهایت سیاست‌گذاری

جنایی ایران نسبت به حقوق جامعه در عصر جهانی شدن بررسی می‌شود.

۱- سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به حقوق بزه‌دیده در عصر جهانی شدن

در این بخش، سیاست جنایی ایران در قبال حقوق بزه‌دیدگان در دوران جهانی شدن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۱- پذیرش مفهوم «بزه‌دیده‌محوری» در سیاست جنایی جدید ایران

یکی از بارزترین جلوه‌های جهانی شدن در حوزه حقوق کیفری ایران، تغییر رویکرد از تمرکز صرف بر مجرم به توجه ویژه به بزه‌دیده است. این تحول که متأثر از اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه اصول عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت (مصوب سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵) است، سبب شده است تا در برنامه‌های قوه قضاییه و فرآیندهای قانون‌گذاری، احیای کرامت بزه‌دیدگان و جبران خسارات وارده به آنان، جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. به‌عنوان مثال، ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، عدالت کیفری را در راستای حمایت از حقوق شهروندی و کرامت انسانی تعریف می‌کند. همچنین، مواد ۴، ۶ و ۸ همین قانون به‌طور مشخص بر مواردی همچون «اعلام حقوق بزه‌دیده»، «اطلاع‌رسانی منصفانه» و «حمایت‌های روانی و اجتماعی از بزه‌دیدگان» تأکید دارند که بازتاب مستقیم استانداردهای جهانی حقوق بشر در زمینه حقوق بزه‌دیدگان محسوب می‌شوند.

۱-۲- احترام به کرامت انسانی بزه‌دیده

احترام به کرامت انسانی، حقی بنیادین برای تمامی افراد است که فارغ از باورها، رنگ، نژاد و وضعیت اتهامی، مستلزم رفتاری محترمانه و رعایت شأن و منزلت انسانی است. این اصل مهم، بزه‌دیدگان را نیز شامل می‌شود. تأکید بر این اصل در حوزه حقوق بشر، منجر به شکل‌گیری مفهوم "رفتار دادگرانه" در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی شده است که یکی از ارکان حقوق بنیادین بزه‌دیدگان به شمار می‌رود. بر این اساس، رفتار با بزه‌دیدگان باید توأم با همدلی و احترام به کرامت انسانی آنان باشد. به‌عنوان مثال، قانون حقوق قربانیان (۲۰۰۲) و نسخه‌ی ساده‌سازی شده آن، کد قربانیان (۲۰۱۵) نیوزیلند، هشت اصل

کلیدی را برای راهنمایی ارائه‌دهندگان خدمات در نحوه برخورد با قربانیان تعریف کرده‌اند (McGregor, 2019: 3). یکی از این اصول، «اصل احترام به بزه‌دیده» است که بر لزوم رفتار مؤدبانه و توأم با شفقت ارائه‌دهندگان خدمات با قربانیان و احترام به نیازها، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی، مذهبی، قومی و اجتماعی آنان تأکید دارد. متأسفانه، منزلت بزه‌دیده در عمل و در جریان فرآیند دادرسی کیفری و مواجهه با پلیس، اغلب مورد خدشه قرار می‌گیرد. فقدان مقررات الزام‌آور در آیین دادرسی کیفری که به صراحت بر رعایت منزلت بزه‌دیده تأکید کند، موجب شده است که در برخی موارد، رفتاری یکسان با متهم و بزه‌دیده صورت گیرد. دستورالعمل‌های موجود تحت عنوان "تکریم ارباب رجوع" که عمدتاً ناظر به ارباب رجوع به‌عنوان شاکی و بزه‌دیده است، ظرفیت کافی برای رعایت منزلت بزه‌دیده را ندارند.

پلیس با کنار گذاشتن روش‌های منسوخ گذشته و اتخاذ رویکردی نو، اجتماع‌گرا و مشارکت‌مدار، می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در راهبردهای حمایتی و خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان مشارکت نموده و نقش مؤثر و قابل‌توجهی در تحقق عدالت برای آنان ایفا کند. رعایت احترام بزه‌دیده تا حد زیادی ترس از مشارکت را از بین می‌برد (منصوری نعلبندان، ۱۳۹۹: ۱۲۱). همچنین، مشکل بزه‌دیده باید به‌عنوان مسأله‌ای تلقی شود که در نهایت توسط نظام عدالت کیفری حل‌وفصل می‌گردد. وقوع جرم، بزه‌دیده را به درون فاجعه‌ای مبهم و چندوجهی پرتاب می‌کند. او جایگاه و روابط اجتماعی خود را در جامعه از هم گسیخته می‌بیند و به‌دنبال احیای روابط و بازیابی جایگاه سابق خود است. لذا، باید این امکان برای او فراهم شود تا جایگاه قبلی خود را بازیابد و ترس وی از مشارکت در فرآیند تعقیب کیفری کاهش یابد.

۱-۳- تأسیس و توسعه‌ی نهادهای میانجیگری و صلح و سازش کیفری

همواره نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) در فرایند دادرسی کیفری، به‌ویژه با توجه به اهداف و مأموریت‌های این سازمان‌ها، محل بحث و بررسی بوده است (صبری، ۱۳۹۳: ۲۳۵). با این حال، سمن‌ها می‌توانند با ارائه‌ی

حمایت‌های لازم به بزه‌دیدگان، آنان را در غلبه بر ترس از مشارکت در فرآیند تعقیب کیفری یاری رسانده و تسهیل‌گر این امر باشند.

در سطح بین‌المللی، بند دوم ماده ۱۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به این موضوع توجه داشته و تصریح می‌کند که دادستان، در مواردی که رأساً بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده تحقیقات را آغاز می‌کند و به ارزیابی اهمیت اطلاعات دریافتی می‌پردازد، می‌تواند از کمک و مساعدت سازمان‌های غیردولتی بهره‌مند شود.

در حقوق داخلی برخی کشورها نیز رویکردهای مشابهی اتخاذ شده است. برای مثال، در فرانسه، اصلاحات سال ۲۰۰۰ و ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، به دادستان اجازه می‌دهد تا در صورت وقوع جرائمی که امکان معاضدت سمن‌ها در آن‌ها وجود دارد، این سازمان‌ها را از وقوع جرم مطلع سازد تا بزه‌دیدگان بتوانند از حمایت‌های آنان بهره‌مند گردند (ورویی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱). در اندونزی، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در میانجیگری کیفری بیش از آن‌که حاصل مداخله مستقیم قانون‌گذار مدرن باشد، ریشه در سنت‌های عرفی-اسلامی و سازوکارهای بومی حل اختلاف دارد. حل‌وفصل اختلافات از طریق مشورت جمعی و توافق اجتماعی، به‌ویژه در جرائم سبک و جرائم نوجوانان، جایگاه مهمی در نظام عدالت کیفری این کشور دارد.

قانون نظام عدالت کیفری اطفال مصوب ۲۰۱۲ با تأکید بر انحراف از فرآیند رسمی دادرسی و اولویت دادن به سازش، زمینه‌ای فراهم کرده است که سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار خانواده، جامعه محلی و بزه‌دیده، نقش حمایتی و تسهیل‌گر ایفا کنند. در این الگو، سمن‌ها بخشی از بستر اجتماعی عدالت کیفری محسوب می‌شوند و هدف اصلی، بازسازی روابط اجتماعی و جلوگیری از برجسب‌زنی کیفری است؛ رویکردی که با مبانی فقهی صلح، اصلاح ذات‌البین و تقدم سازش بر مجازات در اندیشه اسلامی هم‌خوانی دارد. در مقابل، مراکش الگویی نهادمند و دولت‌محورتر را برگزیده است.

اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، صلح و سازش کیفری را در قالب چارچوب‌های قانونی مشخص و تحت نظارت مقام قضایی به رسمیت شناخته است. در این نظام، سازمان‌های مردم‌نهاد عمدتاً نقش حمایتی، مشورتی و تخصصی دارند و مشارکت آن‌ها به‌ویژه در حمایت از بزه‌دیدگان خشونت‌های خانوادگی، زنان و کودکان برجسته است. بر خلاف اندونزی، میانجیگری کیفری در مراکش کمتر متکی بر عرف محلی و بیشتر مبتنی بر قواعد رسمی و کنترل‌شده است. این رویکرد، تلاشی برای ایجاد تعادل میان مبانی فقه مالکی، الزامات حقوق بشر و ضرورت حفظ نظم عمومی کیفری به‌شمار می‌آید.

در نتیجه، سمن‌ها از مشروعیت قانونی برخوردارند، اما دامنه‌ی مداخله آن‌ها محدود و تحت نظارت نهادهای قضایی باقی می‌ماند. کانادا نمونه‌ای از نظام‌های عدالت کیفری غربی است که مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را به‌صورت ساختارمند و نهادمند در فرآیند صلح و سازش کیفری پذیرفته است. در این نظام، حمایت از بزه‌دیدگان، کاهش تکرار جرم و بازپذیری اجتماعی بزه‌کار، اهداف اصلی سیاست جنایی محسوب می‌شوند و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان شرکای رسمی نظام عدالت کیفری ایفای نقش می‌کنند. مشروعیت این مشارکت نه از عرف یا مذهب، بلکه از رویکرد حقوق‌بشری و کارکردگرایانه نظام عدالت کیفری ناشی می‌شود. با این حال، اقتدار نهایی دولت در تعقیب جرم حفظ شده و میانجیگری کیفری به‌عنوان مکمل، نه جایگزین، دادرسی رسمی عمل می‌کند.

در حقوق ایران نیز، قانون‌گذار با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، گامی مهم در جهت شناسایی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند عدالت کیفری برداشته است. ماده ۶۶ این قانون، با به‌رسمیت شناختن مشارکت سمن‌ها در حمایت از بزه‌دیدگان و پیگیری حقوق آنان، نشان‌دهنده پذیرش تدریجی الگوی مشارکت مدنی در نظام عدالت کیفری ایران است. این رویکرد، از یک‌سو با مبانی فقهی صلح، گذشت و ترمیم خسارت سازگار است و از سوی دیگر، هم‌راستا با تحولات جهانی در حوزه عدالت ترمیمی قرار می‌گیرد. این ماده،

و تقویت اعتماد متقابل میان دستگاه قضایی و جامعه مدنی، به الگویی کارآمدتر نزدیک شود.

۱-۴- گسترش جبران خسارت و حمایت مالی از بزه‌دیدگان

در نظام‌های عدالت کیفری مدرن، جبران خسارت و حمایت مالی از بزه‌دیدگان به‌عنوان یکی از حقوق اساسی آنان شناخته می‌شود. ایران نیز در راستای این رویکرد جهانی، گام‌هایی هرچند محدود در جهت توسعه نظام‌های حمایتی مالی برداشته است. مواد ۱۴ و ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن تأکید بر حق بزه‌دیده در مطالبه خسارت‌های مادی و معنوی، بر لزوم تشکیل صندوق حمایت از بزه‌دیدگان خاص، به‌ویژه قربانیان جرائم خشونت‌آمیز و زنان بزه‌دیده، در برنامه‌های قوه قضاییه تصریح دارند.

در حقوق ایران، بند «ت» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان، ضرر مالی را به معنای هرگونه صدمه به اموال یا حقوق مالی تعریف می‌کند. بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که پرداخت خسارت به شاهد در صورت ورود خسارت و درخواست جبران آن از سوی دادگستری، یکی از شیوه‌های حمایتی غیرکیفری است که قابل‌توجه و پیگیری است (میرحسینی و شمسی، ۱۳۹۹: ۸۱). نکته قابل‌توجه دیگر، بند «ج» ماده ۱۷ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد است. اگرچه این ماده به‌طور مستقیم به بزه‌دیده اشاره نمی‌کند، اما می‌توان آن را به گونه‌ای تفسیر کرد که "جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه‌ی واردکننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد" را مورد توجه قرار می‌دهد (فاضلیان، ۱۳۹۸: ۱۶۴)؛ در این حالت، دولت به‌عنوان جانشین زیان‌دیده عمل کرده و حق مطالبه خسارت پرداخت‌شده را خواهد داشت.

علاوه‌بر این، به‌منظور جلوگیری از وارد آمدن خسارت مادی به بزه‌دیده به دلیل ادای شهادت، بند «د» ماده مذکور، هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز علیه شهود، گزارش‌دهندگان و منابعی که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی‌صلاح قانونی ارائه می‌دهند، از جمله اخراج، بازخرید، بازنشستگی پیش از موعد، تغییر وضعیت، جابجایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایا را ممنوع اعلام کرده است. این

هم‌سو با اندیشه‌های نوین بزه‌دیده‌شناختی در حقوق کیفری، در جهت حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد در این امر وضع شده است (خالقی، ۱۳۹۸: ۳۱۴).

با وجود این، سازمان‌های مردم‌نهاد، با موانع قابل‌توجهی در عرصه مداخله در فرآیند کیفری و حمایت از بزه‌دیدگان مواجه هستند. به اعتقاد برخی بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم کشور به‌منظور مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کیفری موجود نیست (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). این موضوع، ضرورت توجه بیشتر به ایجاد و تقویت این بسترها را به‌منظور بهره‌گیری بهینه از ظرفیت سمن‌ها در راستای حمایت از بزه‌دیدگان و تحقق عدالت کیفری نشان می‌دهد.

در ایران، بین شکل‌گیری نهادهای سازمان‌های مردم‌نهاد و فرایند فعالیت آن‌ها فاصله‌ی زیادی وجود دارد. در عصر جهانی‌شدن، رویکرد عدالت ترمیمی با تکیه بر جبران آسیب به‌جای انتقام، به‌تدریج در حال تغییر سیاست‌های جنایی کشورها است. در ایران نیز، قانون آیین دادرسی کیفری جدید گامی مهم در این راستا برداشته و برای اولین بار، میانجیگری کیفری را به‌صورت رسمی به رسمیت شناخته است (نجفی اقدام، ۱۳۹۷: ۲۵۱). فصل ششم این قانون (مواد ۸۲ تا ۸۴) با پیش‌بینی تشکیل هیأت‌های میانجیگری به‌منظور ایجاد سازش بین بزه‌دیده و بزه‌کار، از الگوهای حقوقی جهانی الهام گرفته است. علاوه‌بر این، ایجاد خانه‌های عدالت، دفاتر مشاوره خانواده و صلح در دادرسی‌ها نیز با هدف کمک به آسیب‌دیدگان برای بازگشت به زندگی عادی، نشان‌دهنده تلاش برای پیوند زدن رویکرد اسلامی صلح و سازش با نظریه عدالت ترمیمی جهانی است. این اقدامات در عمل، نوعی هم‌افزایی بین ارزش‌های اسلامی و اصول عدالت ترمیمی را به تصویر می‌کشند.

با این حال، در مقایسه با اندونزی و کانادا، مشارکت سمن‌ها در ایران همچنان با محدودیت‌های ساختاری و اجرایی مواجه است و نقش آن‌ها بیشتر جنبه‌ی حمایتی دارد تا مداخله فعال در فرآیند میانجیگری کیفری. در عین حال، چارچوب حقوقی موجود این ظرفیت را دارد که با توسعه زیرساخت‌های نهادی

امر نشان‌دهنده اهمیت حفظ وضعیت اقتصادی و شغلی بزه‌دیدگان و شهود در راستای حمایت از حقوق آنان است.

۱-۵- تأمین امنیت بزه‌دیده، خانواده و شهود

بزه‌دیدگان و شهود آن‌ها در صورت عدم حمایت، در معرض فشارهایی قرار می‌گیرند که هدف آن‌ها منصرف کردن بزه‌دیده از شکایت یا شهود از ادای شهادت است (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۴۸). به نظر می‌رسد، محدود کردن حکم ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری به جرائم مهم ضروری است و این ممنوعیت باید در جرائم کم‌اهمیت که امکان شناسایی آن‌ها از طریق «قابلیت گذشت» وجود دارد، برداشته شود (عظیم‌زاده و دژخواه، ۱۳۹۳: ۹۶).

تأمین امنیت بزه‌دیده، فراتر از پیش‌بینی تدابیر حفاظتی در زمان مواجهه با متهم، شامل اقداماتی برای جلوگیری از تهدیدها یا انتقام‌جویی‌های متهم، خانواده یا دوستان وی است؛ اقداماتی مانند به‌کارگیری پلیس یا سایر ضابطان دادگستری. از آنجاکه بخش مهمی از انتقام‌جویی‌ها ممکن است پس از مراحل اولیه دادرسی صورت گیرد، حمایت از بزه‌دیده نباید به مراحل کشف جرم محدود شود.

یکی از تدابیر مهم در جهت تأمین امنیت بزه‌دیده، عدم افشای اطلاعات هویتی او (نام، نشانی، شماره تلفن و ...) است. هرگونه تصمیم‌گیری در این خصوص باید به دادگاه واگذار شود، زیرا انتشار این اطلاعات می‌تواند امنیت جانی و روانی بزه‌دیده را به خطر اندازد. برای مثال، در فرانسه تهدید و ارباب بزه‌دیده برای انصراف از شکایت جرم تلقی شده و به این ترتیب بزه‌دیده با اطمینان بیشتری می‌تواند روند پیگیری کیفری را دنبال کند (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۳۶). همچنین، قانون قربانیان جنایات کانادا (۱۹۹۶) حقوقی را برای قربانیان در راستای دسترسی به عدالت تعیین کرده است؛ از جمله حق برخورد با شفقت و وقار، حفظ حریم خصوصی و محافظت از آزار و اذیت و ارباب از سوی مجرم یا افراد وابسته به او (Raje, 2022: 32).

در مقایسه، نظام دادرسی کیفری ایران از توانایی لازم برای تأمین امنیت بزه‌دیده و خانواده‌اش برخوردار نیست. تنها راهکار مؤثر موجود، قرار بازداشت موقت است که آن‌هم با

محدودیت‌های فراوانی روبه‌روست. در مقابل، راهکارهای بهتری برای تأمین امنیت شهود و مطلعان در نظر گرفته شده است. قانون‌گذار در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، به صراحت به حمایت عینی از شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته است. در همین راستا، آیین‌نامه‌ای در ۱۸ ماده و ۷ تبصره به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده که مهم‌ترین اقدام آن، تأسیس «واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان» در هر حوزه قضایی است. مقررات این ماده و آیین‌نامه مذکور، از نوآوری‌های برجسته حقوق کیفری ایران در زمینه حمایت از امنیت شهود، مطلعان و خانواده‌های آن‌ها محسوب می‌شوند (اختری و مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در نهایت، اطمینان خاطر بزه‌دیده از تأمین امنیت شهود وی، می‌تواند راهکاری مؤثر برای افزایش مشارکت او در فرایند دادرسی کیفری باشد.

۶-۱- ارتقاء جایگاه مشارکت بزه‌دیده در فرآیند دادرسی

در گذشته، رویکرد به بزه‌دیدگان محدود به نقش شاکی یا شاهد بود. اما امروزه، با استناد به اسناد بین‌المللی، بزه‌دیده به‌عنوان یک «ذی‌نفع فعال در فرآیند دادرسی کیفری» شناخته می‌شود. این تحول در نظام حقوقی ایران نیز نمود یافته و حقوقی نظیر حق اطلاع‌رسانی، حق حضور در دادگاه، حق بیان نظرات و حق اعتراض را برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته است (سلطانی، ۱۴۰۰: ۱۹۸). مواد ۵۷ و ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری بر حق بزه‌دیده برای حضور در مراحل تحقیقات مقدماتی و استماع اظهاراتش تأکید دارند و دادسرا را موظف به اطلاع‌رسانی در خصوص وضعیت پرونده می‌نمایند. همچنین، ماده ۱۱۴ همین قانون، نقش بزه‌دیده را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعویق مجازات، آزادی مشروط و یا صدور قرار موقوفی تعقیب پذیرفته است. این تغییرات در راستای انطباق با اسناد بین‌المللی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دستورالعمل‌های شورای اروپا در خصوص حمایت از قربانیان جرم (مصوب ۲۰۰۱) صورت گرفته‌اند.

۷-۱- توجه به عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، با رویکردی نوین در سیاست‌گذاری جنایی، بر ترمیم آسیب‌های وارده به قربانیان جرم و بازگشت اثربخش مجرمان به جامعه تمرکز دارد. این رویکرد، با جایگزینی

تحولات جهانی نیز بر سیاست‌های جنایی کلان کشور تأثیرگذار بوده است. برای نمونه، سند تحول قضایی (۱۳۹۹) با محوریت عدالت ترمیمی، احیای حقوق عامه و تقویت نهادهای حمایتی از آسیب‌دیدگان اجتماعی؛ پذیرش آموزش‌های بین‌المللی در حوزه جرم‌شناسی بزه‌دیده‌محور و همکاری‌های دانشگاهی با سازمان ملل متحد؛ و همچنین طرح‌های پژوهشی قوه قضاییه مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تجارب جهانی، همگی نشانگر پذیرش و انطباق با روندهای جهانی هستند. همگرایی تدریجی در زمینه جرائم خاص مانند خشونت علیه زنان و کودکان نیز مؤید تطبیق قوانین ایران با کنوانسیون‌های بین‌المللی در راستای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر است (رستمی، ۱۴۰۱: ۶۱).

به‌طور کلی، جهانی‌شدن حقوق کیفری، چه در سطح نظری و چه در متن قانون، نهادسازی و سیاست‌های قضایی ایران، اثرات قابل توجهی داشته است. در نتیجه، سیاست جنایی ایران در حال حرکت به سوی مدل عدالت ترمیمی اسلامی- جهانی است؛ مدلی که در پی آن است تا تلفیقی از آموزه‌های دینی و ارزش‌های جهانی حقوق بشر را به‌عنوان مبنای عدالت کیفری ملی بنا نهد.

در آسیب‌شناسی جایگاه منزلت بزه‌دیده در نظام دادرسی کیفری ایران، یکی از مشکلات اساسی این است که قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات مرتبط نتوانسته‌اند تعادل مناسبی بین احترام به منزلت شاکی و متهم برقرار کنند. برای نمونه، در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری و برخی از بندهای قانون حقوق شهروندی، مانند بندهای ۴، ۶، ۷، ۹ و ۱۰ بر رفتار انسانی و حفظ کرامت متهم در تمامی مراحل، به‌ویژه در مرحله پلیسی، تأکید شده است؛ اما در این میان، برای بزه‌دیده، پیش‌بینی‌های مشابهی صورت نگرفته است. این رویکرد قانون‌گذار شاید ناشی از فرضی باشد که بر اساس آن، حفظ منزلت شاکی و بزه‌دیده به‌طور طبیعی رعایت می‌شود و در مقابل، منزلت متهم بیشتر در معرض خطر نقض قرار دارد؛ به همین دلیل، تأکید ویژه‌ای بر رعایت حقوق و کرامت متهم شده است. با این حال، بهتر بود که احترام و توجه به منزلت

مجازات صرف با جبران خسارات و بازسازی روابط آسیب‌دیده، نقش کلیدی در اصلاح و بهبود نظام عدالت کیفری ایفا می‌کند. سیاست جنایی ترمیمی با هدف ایجاد نظام قضایی عادلانه‌تر و کارآمدتر، برنامه‌هایی نظیر مشاوره، آموزش و توانمندسازی را برای مجرمان در نظر می‌گیرد و از این طریق، ضمن پایبندی به اصول دینی و دموکراتیک، به‌دنبال کاهش تنش‌ها و آسیب‌های ناشی از جرم و تسهیل ادغام مجدد بزه‌کاران در جامعه است (یاقوتی و نصیری اقدم، ۱۳۹۸: ۲). در این رویکرد مشارکتی، بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه به‌عنوان ذینفعان اصلی، در فرایند جبران خسارت و التیام زخم‌های ناشی از جرم مشارکت می‌کنند، به‌نحوی که شرایط برای بهبود روابط اجتماعی و کاهش احتمال تکرار جرم فراهم گردد.

سیاست جنایی ترمیمی، با تمرکز بر جبران خسارت‌های بزه‌دیدگان و بازگرداندن حس امنیت و آرامش به آنان، گامی مؤثر در راستای عدالت و امنیت اجتماعی است. این رویکرد، با فراهم آوردن بستری برای گفت‌وگو و تعامل سازنده میان بزه‌کار و بزه‌دیده، نه تنها به پیشگیری از تکرار جرم کمک می‌کند، بلکه با مشارکت دادن جامعه، آگاهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز ارتقا می‌بخشد.

با در نظر گرفتن نیازهای جسمی و روانی بزه‌کاران و تلاش برای کاهش مجازات‌های سالب آزادی، سیاست جنایی ترمیمی به دنبال استقرار یک نظام عدالت اجتماعی عادلانه‌تر و انسانی‌تر است. این رویکرد، مشارکت فعالانه جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیندهای کیفری را مورد تأکید قرار می‌دهد که به نوبه‌ی خود، می‌تواند منجر به بهبود فرآیندهای قضایی و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت شود.

با وجود مزایای چشمگیر، پیاده‌سازی سیاست جنایی ترمیمی با چالش‌هایی نیز روبرو است. مقاومت در برابر تغییر در نظام‌های سنتی عدالت کیفری و ضرورت آموزش و آگاهی‌بخشی به تمامی ذینفعان، از جمله این چالش‌ها هستند (مرادیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۱). با این حال، سیاست جنایی ترمیمی به‌عنوان ابزاری کارآمد در سیاست‌گذاری جنایی، قادر است وضعیت بزه‌دیدگان و بزه‌کاران را بهبود بخشد و عدالت اجتماعی را ارتقا دهد.

رحمت، اصلاح و بازگشت اجتماعی بزهکار بر مجازات صرف، ارجحیت دارد. با این حال، در دهه‌های اخیر، جریان جهانی حقوق کیفری، با تأکید بر اصولی نظیر منع شکنجه، دادرسی منصفانه، کرامت انسانی محکوم، اصل تناسب و حق بازپروری، بر سیاست داخلی ایران اثر گذاشته است.

۲-۱- بازآفرینی مفهوم کرامت انسانی مجرم

در پرتو اسناد بین‌المللی چون میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و قواعد نلسون ماندلا (۲۰۱۵)، مفهوم «رفتار انسانی با محکومان» در گفتمان قضایی و نظام زندان‌های ایران وارد شد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۷، احترام به حیثیت و حقوق متهم را الزام نموده است. مطابق ماده ۷: «مقام‌های قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، مکلف‌اند از هرگونه اقدام مغایر با کرامت ذاتی و حقوق انسانی اشخاص از قبیل شکنجه، اعمال خشونت، رفتارهای تحقیرآمیز، تبعیض‌آمیز و مغایر با موازین شرع و قانون خودداری نمایند. متخلفان از این حکم، علاوه بر مجازات قانونی، به محرومیت از مسؤولیت قضایی یا انتظامی محکوم می‌شوند». ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از مهم‌ترین مصادیق تأثیر «جهانی‌شدن حقوق کیفری» در نظام حقوقی ایران است، چون به‌طور صریح کرامت انسانی و حقوق ذاتی بزهکار (یا متهم) را محور عدالت کیفری قرار داده؛ این همان چیزی است که در ادبیات بین‌المللی با عناوینی مثل کرامت ذاتی یا استانداردهای دادرسی عادلانه شناخته می‌شود.

این ماده مبتنی بر اصل ۳۹ قانون اساسی است که «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر یا بازداشت‌شده» را ممنوع می‌داند، اما دامنه‌اش در قانون جدید گسترده‌تر شده و شامل همه مراحل دادرسی و همه مقامات می‌شود. این ماده عملاً ترجمان داخلی اصول زیر است:

(۱) ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، منع شکنجه و رفتار غیرانسانی،

(۲) قواعد نلسون ماندلا (۲۰۱۵): استاندارد رفتاری با زندانیان،

(۳) اصول اساسی رفتار با زندانیان (قطعه‌نامه سازمان ملل ۱۹۹۰). با تصویب این ماده، قانون‌گذار ایرانی برای نخستین بار کرامت انسانی متهم را نه فقط به‌عنوان تعهد اخلاقی، بلکه به‌صورت

بزه‌دیده نیز به‌صورت واضح و صریح در قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار می‌گرفت.

۲- سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به حقوق بزهکار در عصر جهانی‌شدن

در نظام دادرسی کیفری، اصول بنیادینی همچون عدالت، حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی و متهم از اهمیت بسزایی برخوردارند. تحقق عدالت اجتماعی و پاسداری از آن، وظیفه‌ای اساسی بر عهده‌ی کل نظام قضایی است. با توجه به افزایش جرائم و گسترش عناوین مجرمانه و مقررات کیفری، احتمال تجاوز به حقوق و شخصیت متهم افزایش یافته است. بنابراین، برقراری تعادل میان ضرورت تعقیب مجرمان و رعایت حقوق و کرامت انسانی متهم، از الزامات دستگاه قضایی است.

دادرسی کیفری به‌عنوان سازوکاری مشخص برای کشف جرم از طریق بررسی رفتارهای متهم، باید متضمن اصولی باشد که تضمین‌کننده‌ی عدالت، انصاف و تأمین‌کننده‌ی حقوق و آزادی‌های فردی باشد؛ اصولی که لازمه‌ی هر دادرسی عادلانه است. بر این اساس، رعایت حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و سایر اصول مرتبط با حقوق متهم، ایجاب می‌کند که متهم برای جلوگیری از به خطر افتادن آزادی و حقوق فردی‌اش، از حداقل تضمین‌های کافی برخوردار باشد.

جهانی‌شدن و گسترش شبکه‌های ارتباطی فراملی و ارزش‌های جهانی حقوق بشر، منجر به تحولی اساسی در آرایش سنتی عدالت کیفری شده است. رویکردی که تا چند دهه پیش، بر سرکوب بزهکار و بازدارندگی مبتنی بود، اکنون جای خود را به نگاهی داده است که حقوق بزهکار را به‌عنوان بخشی از «عدالت انسانی و ترمیمی» در مرکز توجه قرار می‌دهد. سیاست جنایی ایران نیز ناگزیر از بازتعریف جایگاه خود در مواجهه با این تحولات است. این بازتعریف، به‌ویژه در تقاطع مبانی فقهی، آرمان‌های اسلامی اصلاح مجرم و الزامات بین‌المللی ناشی از تعهدات حقوق بشری، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. سیاست جنایی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی، بر مبنای اصلاح‌محوری استوار بوده است. آموزه‌های قرآنی مانند «فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فإن الله یتوب علیه» (مائده/ ۳۹) و قواعد فقهی نظیر «درء الحدود بالشبهات» بستری را فراهم آورده‌اند که در آن،

معاصر، حق برخورداری از وکیل را از سطح امتیاز به سطح حق انسان‌شناختی ارتقا داده است. این ماده در کنار ماده ۷، به منزله‌ی ستون دوقلوی کرامت انسانی و دفاع مشروع در فرآیند جنایی ایران محسوب می‌شود.

۲-۲-۲- اصل اطلاع از اتهام و حق سکوت

اصل اطلاع از اتهام و حق سکوت مطابق مواد ۱۹۰ و ۱۹۵ از دیگر مصادیق سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به حقوق بزهکار در عصر جهانی‌شدن است. بر اساس ماده ۱۹۰: «متهم باید در اولین فرصت از موضوع و دلایل اتهامی که علیه او مطرح شده، مطلع شود و حق دارد از خود دفاع کند و علیه دلایل اتهام اظهار کند و دلایل بی‌گناهی خود را ارائه دهد. مقام قضایی مکلف است موضوع اتهام و دلایل آن را به زبان ساده و قابل فهم برای متهم بیان کند». همچنین بر اساس ماده ۱۹۵: «تحقیقات از متهم باید بدون اعمال فشار، اجبار یا اکراه صورت گیرد و متهم می‌تواند پاسخ ندهد یا سکوت کند؛ سکوت متهم نباید دلیلی بر بزهکاری او تلقی شود». مواد ۱۹۰ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ کاملاً در راستای شناسایی هسته‌های «عدالت دادرسی جهانی» در نظام حقوقی ایران است.

این دو ماده، در کنار ماده ۷ و ۴۸، بخش مهمی از فصل حقوق متهم را تشکیل می‌دهند و عملاً پایه‌ی تحقق دو حق بنیادین بین‌المللی‌اند: اصل اطلاع از اتهام و حق سکوت؛ هر دو از ارکان دادرسی منصفانه در سطح جهانی محسوب می‌شوند. هر دو ماده، برگرفته از اسناد بین‌المللی حقوق بشر و آیین دادرسی کیفری جهانی‌اند: (۱) ماده ۱۴ بند ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق داشتن اطلاع از ماهیت دقیق اتهام و حق دفاع مؤثر را پذیرفته است. همچنین ضوابط سازمان ملل برای حمایت از اشخاص تحت بازداشت مصوب ۱۹۸۸، بر ممنوعیت اجبار به اقرار و ضمانت حق سکوت تأکید کرده است. مواد ۶ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق آگاهی از اتهام و منع تفسیر سکوت به زیان متهم دلالت دارد. پیش‌تر در نظام سنتی، سکوت متهم به نوعی «قرینه مجرمیت» تلقی می‌شد، اما قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با ماده ۱۹۵، صریحاً این برداشت را نفی کرده است؛ این یعنی تحول از «دادرسی اعتراف‌محور» به «دادرسی حقوق‌محور».

الزام قانونی و دارای ضمانت اجرا وارد سیاست کیفری کرد. یعنی سیاست جنایی ایران در پرتو جهانی‌شدن، از عدالت صرفاً تنبیهی به سمت عدالت کرامت‌محور حرکت کرده است.

۲-۲-۲- حقوق دفاعی بزهکار

از مهم‌ترین حقوق دفاعی افراد بزهکار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۲-۲-۱- حق داشتن وکیل

تأثیر مستقیم جهانی‌شدن در تضمین حقوق دفاعی، آشکار است. حضور وکیل از بدو تحقیقات مقدماتی مطابق ماده ۴۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ از جمله این مصادیق است. مطابق ماده ۴۸ با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند درخواست وکیل کند. وکیل باید با رعایت و حفظ محرمانگی پرونده، با متهم ملاقات نماید و وکیل حق دارد در پایان ملاقات، مطالب لازم را به‌صورت کتبی برای درج در پرونده ارائه کند. در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و نیز جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است تا یک هفته پس از شروع تحت نظر بودن، انتخاب وکیل از میان وکلای رسمی مورد تأیید رئیس قوه قضاییه خواهد بود. این حکم در مسیر هم‌گرایی با مقررات بین‌المللی زیر است. بر اساس ماده ۱۴ بند ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ حق برخورداری از وکیل از بدو بازداشت به رسمیت شناخته شده است (بیات، ۱۴۰۰: ۹۶).

بر اساس ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ دسترسی فوری به مشاوره حقوقی پذیرفته شده است. همچنین اصول اساسی نقش وکلا در نظام عدالت کیفری مصوب سازمان ملل (۱۹۹۰) بر لزوم حضور وکیل در نخستین تماس با ضابطان و مقامات قضایی تأکید کرده است. بنابراین، ماده ۴۸ را می‌توان ترجمه بومی استاندارد جهانی حق دفاع دانست. از رویکرد سنتی «دفاع در محاکمه» به سیاست «دفاع از لحظه تحت نظر بودن»؛ یعنی گسترش قلمرو حمایت از بزهکار و پیشگیری از رفتارهای خشونت‌آمیز، مصداقی از عدالت کرامت‌محور است (خالقی، ۱۴۰۱: ۴۵). ماده ۴۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ نقطه تلاقی حقوق کیفری اسلامی با حقوق بشر بین‌المللی است؛ در واقع، ایران در سیاست‌گذاری کیفری

۳-۲-۲- علنی بودن نسبی دادرسی

علنی بودن دادرسی به‌عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه، امکان نظارت افکار عمومی بر فرایند محاکمات کیفری را فراهم آورده و در نتیجه، به تضمین انصاف در رسیدگی‌ها کمک می‌کند. علنی بودن دادرسی به شفافیت در اجرای عدالت و آشکار شدن آن می‌انجامد.

در حقوق کیفری ایران، این اصل در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به شکل علنی بودن نسبی یا علنی بودن مقید مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس، اصل بر علنی بودن جلسات رسیدگی است، مگر در مواردی که این علنی بودن منافی امنیت یا نظم عمومی، اخلاق حسنه، حفظ حریم خصوصی طرفین، یا در جرائم منافی عفت یا موضوعات مربوط به خانواده، به تشخیص قاضی، مصلحت نباشد.

در نظام بین‌الملل نیز، علنی بودن دادرسی به‌عنوان جزء لاینفک یک محاکمه عادلانه شناخته می‌شود. ماده ۱۴ بند ۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر علنی بودن رسیدگی و اعلام عمومی حکم تأکید دارد، مشروط بر اینکه محدودیت‌هایی به دلایل اخلاقی، امنیتی یا حفاظت از حریم خصوصی اعمال شود.

علنی بودن نسبی دادرسی در عصر جهانی‌شدن، به‌عنوان یک مبحث اساسی در عدالت کیفری مطرح است؛ زیرا هم‌سو با رویکرد شفافیت‌محور در دادرسی‌های مدرن غربی و در عین حال، پاسدار ملاحظات اخلاقی، امنیتی و حفظ حیثیت در فرهنگ اسلامی- ایرانی است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز ضمن تأکید بر علنی بودن دادرسی، حفظ حقوق متهم، و منصفانه و بی‌طرفانه بودن رسیدگی‌ها (بند ۱ ماده ۶۷)، به دیوان اختیار می‌دهد تا به‌عنوان یک استثناء، دستور برگزاری غیرعلنی بخشی از رسیدگی‌ها را صادر کند و امکان ثبت و ضبط اظهارات با استفاده از وسایل الکترونیکی یا سایر ابزارهای خاص، به‌ویژه در مورد قربانیان خشونت جنسی یا کودکانی که شاهد یا قربانی جرم بوده‌اند (بند ۲ ماده ۶۸)، را فراهم آورد.

همچنین، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن پذیرش اصل علنی بودن دادرسی‌های کیفری و ارج نهادن به آن قبول کرده است که تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی‌های جزایی، خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی بلامانع است. بنابراین ماده ۳۵۲ عملاً ترجمه بومی همین قاعده جهانی است، با همان سه استثنای اصلی. در فقه اسلامی، دفاع از آبرو و حیثیت اشخاص به‌ویژه در جرائم منافی عفت یا خانوادگی هم‌سنگ با ارزش عدالت در علنیت است. نتیجه اینکه سیاست‌گذار ایرانی کوشیده بین «حق جامعه به دانستن» و «حق انسان به حیثیت» تعادل برقرار کند که به آن علنی بودن نسبی گفته می‌شود. علنی بودن نسبی، نماد نظم تطبیقی ایران در برابر شتاب جهانی‌شدن عدالت کیفری است. این اصل، ضمن تأمین نظارت اجتماعی بر دادرسی، از «کرامت و امنیت اخلاقی» نیز پاسداری می‌کند.

۳-۲-۳- اصل فردی سازی مجازات

اصل فردی سازی مجازات، رویکردی بنیادین در سیاست جنایی مدرن است که بر تخصیص متناسب مجازات با ویژگی‌ها و شرایط منحصر به فرد هر فرد بزهکار و جرم ارتكابی تأکید دارد. هدف غایی این اصل، تحقق عدالت ترمیمی و اصلاح مجرم است، نه صرفاً اعمال مجازات.

فردی سازی مجازات ایجاب می‌کند که در تعیین نوع و میزان مجازات، عواملی چون سن، جنسیت، وضعیت اجتماعی- اقتصادی مجرم و ماهیت جرم در نظر گرفته شوند. این امر به تضمین انصاف در نظام قضایی کمک کرده و از صدور احکام ناعادلانه و یکسان برای شرایط متفاوت جلوگیری می‌کند.

در این رویکرد، محوریت اصلی مجازات، اصلاح و بازپروری مجرم است. با درک نیازها و آسیب‌پذیری‌های خاص هر بزهکار، می‌توان از اعمال مجازات‌های سخت‌گیرانه‌ای که ممکن است نتیجه معکوس داشته و به تشدید رفتارهای مجرمانه منجر شوند، اجتناب کرد. همچنین، با شناسایی ویژگی‌های فردی مجرم، امکان طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی هدفمند فراهم می‌شود که احتمال تکرار جرم را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهد (غیاثوند و همکاران، ۱۴۰۲).

(۶۴۱) در واقع، به جای تمرکز صرف بر مجازات، این رویکرد بر تغییر رفتار مجرم و بازگشت موفقیت‌آمیز او به جامعه تأکید دارد.

فردی‌سازی مجازات به مجرم این پیام را منتقل می‌کند که مسؤول اعمال خود است و باید پیامدهای آن را بپذیرد. این امر می‌تواند به تقویت حس مسؤولیت‌پذیری و خودکنترلی در افراد کمک کند. با وجود مزایای فراوان، اجرای عملی اصل فردی‌سازی مجازات با چالش‌هایی روبه‌روست. به عنوان مثال، تعیین دقیق ویژگی‌های فردی و شرایط خاص هر مجرم مستلزم دسترسی به اطلاعات و داده‌های کافی است (فروتن و امام، ۱۴۰۰: ۶۹).

به منظور بهبود این وضعیت، ضروری است قضات و سایر مقامات قضایی در خصوص اصول فردی‌سازی مجازات و استفاده از داده‌های علمی و تجربی در فرآیند تعیین مجازات، آموزش دیده و آگاهی‌رسانی شوند. همچنین، ایجاد نهادهای نظارتی مستقل می‌تواند به اجرای صحیح و مؤثر این اصل کمک کند.

در نهایت، اصل فردی‌سازی مجازات به عنوان یک سنگ بنا در سیاست جنایی، نقش مهمی در تحقق عدالت، اصلاح مجرمین و پیشگیری از جرم ایفا می‌کند و باید به طور جدی در فرآیندهای قانونی و قضایی مورد توجه قرار گیرد.

۳- حقوق جامعه

موضوع «سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به حقوق جامعه در عصر جهانی‌شدن» در واقع تکمیل‌کننده دو محور قبلی (حقوق بزه‌دیده و حقوق بزه‌کار) است؛ چون این بار مرکز ثقل از فرد به جامعه منتقل می‌شود، یعنی بررسی اینکه جهانی‌شدن، چگونه نگرش قانون‌گذار و سیاست‌گذار ایرانی را در تأمین امنیت جمعی، عدالت عمومی و نظم اخلاقی متأثر کرده است. در عصر جهانی‌شدن، مفهوم «حقوق جامعه» در کنار «حقوق فرد» به یکی از موضوعات بنیادین عدالت کیفری تبدیل شده است. جهانی‌شدن با بازتعریف مرزهای جرم، مسؤولیت و امنیت، موجب شده که دولت‌ها میان احترام به آزادی‌های فردی از یک سو و حفظ نظم و منافع جمعی از سوی دیگر

تعادلی تازه جست‌وجو کنند. در ایران، این چالش با رنگ و بوی خاصی نمود یافته است؛ زیرا سیاست جنایی جمهوری اسلامی باید هم‌زمان بر حفظ ارزش‌های اسلامی، امنیت ملی و سلامت اجتماعی تکیه کند و در عین حال پاسخ‌گوی انتظارات جهانی از شفافیت، حقوق بشر و عدالت اجتماعی نیز باشد.

حقوق جامعه به معنای مجموع منافع عمومی است که بقای نظم، اخلاق، امنیت و عدالت اجتماعی بر پایه آن استوار است. در فقه اسلامی این مفهوم با واژه‌هایی چون مصالح عامه (المصالح العامه) و نظام‌الاجتماع بیان شده است. در حقوق کیفری نوین نیز این حقوق در قالب اصولی نظیر: ۱) حق جامعه بر امنیت، سلامت، و اخلاق عمومی، ۲) حق جامعه بر پاسخگویی دولت و شفافیت عدالت، ۳) حق جامعه بر پیشگیری از جرم و بازپذیری بزه‌کار متجلی می‌شود؛ بنابراین در جهانی‌شدن، حمایت جنایی از جامعه نه به معنای سخت‌گیری کیفری، بلکه به معنای تنظیم تعادلی نو میان آزادی و مسؤولیت است.

جلوه‌های تأثیر جهانی‌شدن بر حقوق جامعه در سیاست جنایی ایران عبارت است از:

۳-۱- گذار از امنیت صرف به امنیت انسانی

جهانی‌شدن با محور قرار دادن انسان به جای دولت، مفهوم سنتی امنیت را دگرگون کرد. در ایران نیز، سیاست امنیتی در دهه اخیر به سوی امنیت اجتماعی و فرهنگی انسان‌محور حرکت کرده است؛ مصادیق آن عبارت است از:

- ۱) تصویب «سند تحول قضایی» (۱۴۰۰) که تأکید دارد بر تأمین امنیت پایدار اجتماعی نه صرفاً مقابله سخت با جرم،
- ۲) توسعه‌ی جرم‌انگاری رفتارهای مخرب محیط‌زیست، سلامت عمومی و فضای سایبری؛ نشانه‌ی توجه به حق جامعه بر محیط سالم و ارتباط امن (انصاری، ۱۴۰۲: ۸۶).

تا پیش از دهه‌ی ۱۳۸۰، سیاست جنایی ایران، همانند بسیاری از نظام‌های پسانقلابی، بر محور امنیت دولت و حفظ ارزش‌های نظام استوار بود. در این چارچوب، حقوق جامعه عموماً به معنای حفظ نظم عمومی، مبارزه با ناهنجاری و دفاع از ایدئولوژی حکومت تفسیر می‌شد؛ اما از اواخر دهه‌ی ۱۳۸۰،

شده و دولت از "حافظ نظام" به "امین انسان" در حال تبدیل است. این دگرگونی، شالوده نظری مدل «عدالت کیفری اسلامی جهانی‌شده» را تشکیل می‌دهد: جایی که امنیت، نه ابزار کنترل، بلکه وسیله تحقق عدالت و کرامت انسانی است.

۲-۳- تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای عدالت

یکی از مهم‌ترین تأثیرات جهانی‌شدن، مطالبه‌ی شفافیت قضایی و پاسخ‌گویی عمومی است. در ایران، دادگاه‌های مفاسد اقتصادی یا هیأت‌های نظارت بر عملکرد قضات نمونه‌هایی از تلاش برای احقاق حق جامعه در دانستن و نظارت بر عدالت هستند. در دوران کلاسیک حقوق کیفری، به‌ویژه در نظام‌های سنتی از جمله ایران، عدالت مفهومی اقتدارمحور داشت، یعنی عدالت نتیجه فرمان قاضی یا حکم شرع محسوب می‌شد؛ شفافیت یا اطلاع عمومی نسبت به جزئیات پرونده‌ها نه تنها ضرورتی نداشت بلکه مخل اقتدار تلقی می‌شد و پاسخ‌گویی بیشتر در بعد فردی (تقوای قاضی) معنا داشت نه نهادی. اما ورود ایران به فضای تعاملات حقوقی بین‌المللی و جریان جهانی‌شدن عدالت کیفری باعث شد تا الگوی کارکرد نهادهای عدالت از اقتدارگرایی صرف به پاسخ‌گوی اجتماعی و جهانی تغییر مسیر دهد. جهان امروز، عدالت را صرفاً در «صدور حکم صحیح» نمی‌سنجد، بلکه در چگونگی تصمیم‌گیری و شفافیت فرآیند تصمیم آن را ارزیابی می‌کند (احمدی و طاهری، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

جهانی‌شدن حقوق کیفری موجب شده شفافیت و پاسخ‌گویی، از دستور اخلاقی فردی قاضی به اصل ساختاری عدالت کیفری در ایران تبدیل شود (هماسی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). اکنون، مشروعیت قوه قضاییه در ایران بیش از هر زمان دیگر تابع میزان شفافیت، پاسخ‌گویی و قابلیت نظارت عمومی آن است. این تحول، درون‌زا و فقه‌محور مانده اما در سطح گفتمان جهانی بازتعریف شده است؛ نقطه‌ای که عدالت اسلامی و عدالت مدرن در آن هم‌پوشانی می‌یابند.

۳-۳- عدالت ترمیمی و بازاجتماعی‌سازی

در سطح بین‌المللی، «عدالت ترمیمی» پاسخی برای احقاق حق جامعه تلقی می‌شود؛ چون هدف آن بازگرداندن نظم اخلاقی و اجتماعی آسیب‌دیده از جرم است. ایران نیز با پذیرش

با افزایش تعاملات حقوقی ایران با سازمان‌های بین‌المللی و ورود مفهوم (امنیت انسانی) در اسناد ملل متحد و برنامه‌های توسعه‌ای (به‌ویژه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰)، تعریف رسمی «امنیت» تغییر یافت (کشاورز، ۱۴۰۰: ۲۳۶)؛ امنیت دیگر به معنای قدرت دولت در کنترل تهدیدها نیست، بلکه به معنای توان حکومت در حمایت واقعی از انسان‌ها در برابر آسیب‌ها و اضطراب‌ها است. جهانی‌شدن، منطلق نظام کیفری ایران را از امنیت‌محوری به سمت انسان‌محوری تدریجی سوق داده است. به زبان سیاست‌گذاری جنایی، دولت مشروع است، نه تنها وقتی جلوی جرم را می‌گیرد، بلکه وقتی فقر، تبعیض، فساد و تخریب محیط‌زیست را نیز مانع می‌شود. در نتیجه، دولت دیگر صرفاً ضامن «امنیت فیزیکی» نیست بلکه مسؤول امنیت روانی، اقتصادی، فرهنگی و دیجیتالی شهروندان نیز شناخته می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۷: ۷۸).

در سیاست جنایی ایران، تأثیر امنیت انسانی در سه بعد قابل ردیابی است:

۱) حقوق زیست‌محیطی و سلامت عمومی: در قانون هوای پاک (۱۳۹۶)، نقض استانداردهای زیست‌محیطی جرم است؛ نه برای نظم اداری بلکه برای سلامت مردم. این یعنی امنیت جامعه از «نظم در خیابان» به «هوای سالم برای زیستن» گسترش یافته است.

۲) امنیت سایبری با محوریت صیانت انسانی: در قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، هدف اعلامی «صیانت از ارزش‌های دینی و کرامت افراد» است و به‌تدریج مواد حمایتی از حیث حریم خصوصی و منع نفوذ اطلاعاتی گسترش یافته‌اند؛ ایران عملاً از امنیت شبکه به سمت امنیت کاربران حرکت کرده است.

۳) امنیت اقتصادی و عدالت اجتماعی: قوانین مبارزه با فساد، پولشویی و قاچاق (۱۳۸۶ و ۱۳۹۷)، زیر فشار نهادهای جهانی وضع شدند تا علاوه بر ثبات اقتصادی، اعتماد عمومی و عدالت توزیعی را تأمین کنند؛ از نشانه‌های آشکار گذار به امنیت انسانی (زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۹: ۷۸).

جهانی‌شدن حقوق کیفری، مفهوم «امنیت» را در ایران از حفاظت دولتی به صیانت انسانی تغییر داده است. در این گذار، حقوق جامعه از صورت انتظامی به‌صورت کرامت‌محور دگرگون

میانجیگری کیفری (مواد ۸۴-۸۲ ق.آ.د.ک.) و شوراها حل اختلاف، نسخه بومی‌شده‌ای از ترمیم اجتماعی و بازسازی روابط اجتماعی را به کار گرفته است. عدالت ترمیمی و بازاجتماعی‌سازی در ایران، نه پدیده‌ای وارداتی، بلکه بازتولید عقلانی مفاهیم توبه، عفو، اصلاح و کفاره در قالب‌های نوین‌اند؛ ایران در حال گذار از عدالت کیفری دولت‌محور به عدالت اجتماعی توزیعی است؛ فرآیندی که با آموزه‌های اسلامی سازگار و با استانداردهای جهانی هم‌سو است.

۳-۴- جرم‌انگاری نوپدید در حمایت از منافع جمعی

جرم‌انگاری نوپدید یعنی ایجاد جرم‌های جدید متناسب با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فناورانه یا زیست‌محیطی، با هدف حمایت از منافع عمومی یا جمعی جامعه (نه صرفاً حقوق فردی). در ایران، از دهه ۱۳۹۰ به بعد، رویکرد تقنینی از «حمایت از حقوق اشخاص» به «صیانت از منافع عمومی و ارزش‌های جمعی» تغییر کرده است. جهانی‌شدن سبب گسترش جرائم فراملی چون پولشویی، فساد، قاچاق و تخریب محیط‌زیست شده است (روشنفکر، ۱۳۹۹: ۴۵).

در واکنش، ایران قانون مقابله با پولشویی (۱۳۸۶ و ۱۳۹۷ اصلاحی)، قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) را تصویب کرده است که همه مصداق تحول سیاست‌گذاری برای صیانت از حقوق جامعه جهانی محلی هستند (کاشانی، ۱۳۹۷: ۸۵). جرم‌انگاری نوپدید در حمایت از منافع جمعی در حقوق ایران، نتیجه تلفیق فقه مصلحت‌محور اسلامی و گفتمان جهانی امنیت انسانی است. این جرم‌ها، نماد گذار ایران از «عدالت کیفری فردمحور» به «عدالت کیفری جمع محور و زیست‌محیطی» محسوب می‌شوند، نقطه‌ای تلاقی فقه با حقوق بین‌الملل کیفری نرم.

۳-۵- اخلاق عمومی و ارزش‌های فرهنگی در برابر فرهنگ جهانی

ایران به‌جای پذیرش بی‌قید ارزش‌های فرهنگی جهانی، سیاست «مصون‌سازی فرهنگی» را برگزیده است. جرم‌انگاری در حوزه‌هایی مانند ترویج فحشا، قمار، هتک مقدسات و انتشار محتوای مخل عفت عمومی در فضای مجازی تجلی سیاستی است که هدفش حفظ هویت فرهنگی جامعه ایرانی در بستر

جهانی‌شدن است. می‌توان گفت ایران با پذیرش اصول برآمده از جهانی‌شدن (شفافیت، پیشگیری، عدالت اجتماعی) و تلفیق آن با ارزش‌های اسلامی چون امر به معروف، نهی از منکر و حرمت کرامت انسانی، به الگویی از «سیاست جنایی تلفیقی جامعه‌محور» رسیده است. در این مدل (۱) جامعه نه فقط موضوع حمایت، بلکه شریک در فرایند عدالت است (از طریق شوراها، میانجیگری، گزارش‌های مردمی)، (۲) دولت مکلف به آموزش و بازسازی فرهنگی پیشگیرانه است و (۳) عدالت کیفری بخشی از فرآیند کلان «تربیت اجتماعی» قلمداد می‌شود (صادقی، ۱۳۹۵: ۷۸).

ماده ۶ قانون مطبوعات مصداق بارزی در این زمینه است. مطابق ماده مورد اشاره: «انتشار مطالبی که به اساس دین مبین اسلام و یا حقوق عمومی و اخلاق حسنه و عفت عمومی ضرر بزند، ممنوع است». این ماده تبلور صریح اولویت اخلاق عمومی اسلامی بر آزادی بیان است. در فرهنگ جهانی، آزادی مطبوعات تا حد نقد دین نیز مجاز و محترم شمرده می‌شود (اصل ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر)، اما در حقوق ایران سقف آن «اخلاق عمومی و ارزش‌های اسلامی» است. به همین دلیل بین ارزش فرهنگی داخلی و جهان‌شمولی آزادی بیان تعارض یا حداقل تفکیک وجود دارد (Nazila, 2012: 23).

همچنین می‌توان به ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای اشاره کرد. بر اساس ماده مورد اشاره: «هر کس به‌وسیله سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی محتوایی مخالف عفت عمومی منتشر کند، مجازات می‌شود». در عصر جهانی دیجیتال که آزادی اینترنت اصل پذیرفته شده‌ای است، قانون ایران محدودیت اخلاق محور وضع کرده است. این ماده تلاقی آشکار سیاست جنایی فرهنگی ایران با ارزش‌های جهانی فضای مجازی است.

علاوه بر این بر اساس ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «رعایت حرمت اشخاص و حفظ حیثیت انسانی در انجام تحقیقات و بازجویی‌ها لازم است». در اینجا شاهد ترکیب دو منبع هستیم: الف) اخلاق اسلامی (کرامت انسان به‌عنوان مخلوق خدا)، ب) معاهدات جهانی (ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛ رفتار انسانی با متهمان) این ماده نشانه‌ای از همگرایی اخلاق

اسلامی با ارزش جهانی کرامت انسانی است و مصداق نوعی عدالت کیفری ترکیبی به حساب می‌آید.

سیاست‌گذاری جنایی ایران در عصر جهانی‌شدن نسبت به حقوق جامعه، مسیر تلفیق بومی ارزش‌های جهانی و اسلامی را پیموده است؛ به این معنا که عدالت کیفری نه به‌عنوان ابزار صرف مجازات، بلکه به‌عنوان سازوکار صیانت از نظم معنوی، اجتماعی و انسانی جامعه تعریف می‌شود. ایران به‌جای تقلید صرف از الگوهای غربی، در حال شکل‌دهی به نسخه‌ای است که می‌توان آن را «عدالت کیفری جامعه‌محور اسلامی در بستر جهانی» نامید؛ عدالتی که جامعه را هم مخاطب و هم شریک خود می‌داند.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخته شد که رویکرد سیاست‌گذاری جنایی ایران نسبت به نظام عدالت کیفری در عصر جهانی‌شدن چگونه بوده است؟ نتایج نشان داد که نظام حقوق کیفری ایران نیز تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار گرفته است و شاهد تغییراتی در قوانین و رویه‌های کیفری بوده‌ایم. این تغییرات شامل جرم‌انگاری‌های جدید، پیش‌بینی تدابیر کیفری و غیر کیفری و تعدیل برخی از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی کیفری است. روند جهانی‌شدن موجب شکل‌گیری فضایی شده است که در آن سیاست‌گذاری جنایی دیگر صرفاً در محدوده‌ی مرزهای ملی تصمیم‌گیری نمی‌شود، بلکه در تعامل مستمر با هنجارها، ارزش‌ها و استانداردهای بین‌المللی قرار گرفته است.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران نیز ناگزیر از مواجهه با این تغییرات بوده و سیاست کیفری خود را در تقاطع میان اصول شرعی، ملاحظات فرهنگی داخلی و الزامات جهانی عدالت کیفری قرار داده است. در سطح نظری، سیاست‌گذاری جنایی ایران به‌شدت متأثر از اصول اسلام و مبانی فقه جزایی است؛ اصولی که بر مفاهیمی چون «اصلاح مجرم»، «جبران ضرر بزه‌دیده»، «حفظ نظم عمومی» و «تحقق عدالت الهی» تأکید دارند. این مبانی، نوعی عدالت کیفری درون‌زا را شکل می‌دهند که از نظر فلسفی متفاوت از نظام عدالت سکولار جهانی است.

با این حال، در دهه‌های اخیر تحولات جهانی چون تأکید بر حقوق بشر، عدالت ترمیمی و رعایت کرامت انسانی باعث شده سیاست‌گذاری جنایی ایران تا حدودی به سمت سازگاری با این ارزش‌های نوین حرکت کند. در بعد عملی، ایران در مواردی چون اصلاح قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، توسعه‌ی نهادهای میانجیگری کیفری و کاهش مجازات‌های سالب حیات در جرائم مواد مخدر (۱۳۹۶) نشانه‌هایی از تعامل با رویکردهای جهانی عدالت کیفری را نشان داده است. سیاست‌های اخیر قوه‌ی قضاییه درباره‌ی حمایت از حقوق بزه‌دیدگان، ترویج صلح و سازش و گسترش عدالت ترمیمی نیز نشانگر مرحله‌ای از همگرایی محتاطانه با معیارهای بین‌المللی است؛ اما چالش‌های ساختاری همچنان پابرجاست.

ایران به واسطه‌ی جایگاه ایدئولوژیک خود و تأکید بر استقلال در سیاست کیفری، در پذیرش برخی اصول جهانی مانند صلاحیت جهانی جرائم بین‌المللی، نظارت نهادهای جهانی بر دادرسی‌ها، یا الزامات معاهدات حقوق بشری محتاطانه عمل می‌کند. به بیانی دیگر، رویکرد سیاست‌گذاری جنایی ایران در عصر جهانی‌شدن دوگانه است: از یک‌سو پذیرش گزینشی ارزش‌های جهانی در جهت بهبود کارآمدی نظام عدالت کیفری و پاسخ‌گویی اجتماعی؛ و از سوی دیگر، حفظ ساختار شرعی درون‌زا برای صیانت از هویت و حاکمیت کیفری ملی.

این دوقطبی تعامل و مقاومت، باعث شده سیاست‌گذاری جنایی ایران شکلی «ترکیبی» پیدا کند؛ نه کاملاً هم‌پای نظام‌های جهانی و نه کاملاً جدا و مستقل. در واقع ایران با اتخاذ سیاست «هم‌زیستی معیارها» تلاش دارد میان عدالت الهی و عدالت جهانی توازن برقرار کند. این رویکرد را می‌توان نمونه‌ای از سیاست‌گذاری جنایی عدالت کیفری دانست که در آن ارزش‌های جهانی در قالب فرهنگی و دینی بومی بازآفرینی می‌شوند. پیشنهاد می‌شود سیاست جنایی ایران در حوزه حقوق بزه‌دیدگان از رویکرد صرفاً حمایتی و نمادین عبور کرده و به سمت تضمین‌های اجرایی مؤثر حرکت کند. تجربه‌های تطبیقی نشان می‌دهد که حمایت واقعی از بزه‌دیده زمانی محقق می‌شود که مشارکت وی در فرآیند دادرسی، دسترسی به سازوکارهای جبران خسارت و امکان نقش‌آفرینی در فرآیند

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

قرآن کریم

- احمدی، علی و طاهری، علیرضا (۱۳۹۹). نقش شفافیت در تقویت اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- اختری، عباس و مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷). «بررسی رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به حقوق شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی و میزان انطباق آن با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای». نشریه پژوهش‌های جزا و جرم‌شناسی، ۱۲۳: ۹۹-۱۲۳.

- انصاری، سیدمحمد (۱۴۰۲). «تحول مفهوم نظم عمومی در سیاست جنایی ایران». فصلنامه سیاست جنایی تطبیقی، ۱(۲): ۶۳-۹۲.

- بیات، مهدی (۱۴۰۰). «کرامت انسانی متهم در فرایند دادرسی کیفری». فصلنامه سیاست جنایی تطبیقی، ۱(۶): ۸۵-۱۰۵.

- خالقی، علی (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری. جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- خالقی، علی (۱۴۰۱). حقوق کیفری عمومی. جلد دوم. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

- رابرتس، جولین (۱۴۰۰). درآمدی بر عدالت کیفری. ترجمه مجید قورچی بیگی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- رستمی، محمد (۱۴۰۱). «تأثیر اسناد بین‌المللی بر حقوق بزه‌دیدگان در نظام کیفری ایران». مجله حقوق تطبیقی ایران و جهان اسلام، ۱۲(۲۲): ۵۵-۷۸.

- روشنفکر، احمد (۱۳۹۹). جرم‌نگاری زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران. چاپ اول، تهران: نشر موسسه حقوق محیط‌زیست.

صلح و سازش، به عنوان حقوقی قابل مطالبه شناخته شود، نه امتیازی وابسته به اراده مقام قضایی. در این زمینه، بازنگری در رویه‌های عملی دادرها و دادگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

از منظر ساختاری، پیشنهاد می‌شود استقلال نسبی نهادهای مشارکت‌کننده در عدالت کیفری، به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز میانجیگری، تقویت شود. وابستگی کامل این نهادها به ساختار رسمی قضایی، اگرچه نظم و کنترل را افزایش می‌دهد، اما می‌تواند کارکرد اجتماعی و اعتماد عمومی به آن‌ها را تضعیف کند. الگوی مناسب برای ایران، الگویی میانه است که در آن نظارت قضایی حفظ شود، اما استقلال عملکردی و تخصصی نهادهای مدنی نیز تضمین گردد. در سطح تقنینی، بازنگری هدفمند در برخی مفاهیم و نهادهای کیفری با الهام از تحولات جهانی، بدون خدشه به مبانی شرعی، ضروری است. مفاهیمی چون تناسب مجازات، جایگزین‌های حبس و توجه به اصلاح و بازپذیری اجتماعی بزهکار می‌توانند در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی، بازتفسیر و تقویت شوند. این امر به کاهش جمعیت کیفری، افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری و ارتقاء سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان‌یافته است.

- زاهدی مازندرانی، امیر (۱۳۹۹). تحول مفهوم امنیت در حقوق عمومی ایران. چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه مطالعات حقوق عمومی.
- سلطانی، ابراهیم (۱۴۰۰). «تحول جایگاه بزه‌دیده در پرتو جهانی‌شدن حقوق کیفری». فصلنامه سیاست جنایی تطبیقی، ۲۱(۲): ۱۷۷-۲۱۰.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۷). «سیاست جنایی تطبیقی و جهانی‌شدن حقوق کیفری». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۸(۴): ۴۵-۹۸.
- صادقی، هادی (۱۳۹۵). تحلیل مفصل تعارض «اخلاق جهانی» و «اخلاق اسلامی» در عمل حقوقی ایران (اخلاق عمومی و آزادی‌های فردی در فقه و حقوق ایران). چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- صبری، نورمحمد (۱۳۹۳). آیین دادرسی در امور کیفری. چاپ اول، تهران: نشر مساوات.
- عبدالحی، افشین (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون الحاقی آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی ۱۳۹۳. چاپ اول، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- عظیم‌زاده، شادی و دژخواه، علی (۱۳۹۳). «حمایت از هویت بزه‌دیده و شاهد و تعارض آن با حق دفاع متهم ۱۳۹۲». فصلنامه تعالی حقوق، ۱(۸): ۸۵-۱۰۷.
- غیاثوند، سعید؛ موسوی، ساجده؛ زند، فاطمه و بسیوند، میترا (۱۴۰۲). «جایگاه اصل فردی کردن مجازات‌ها در میان اصول حاکم بر مجازات‌ها». فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، ۹(۳): ۶۵۹-۶۳۶.
- فاضلیان، حسن (۱۳۹۸). سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در گذار از عدالت انتقامی به عدالت ترمیمی. چاپ اول، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- فروتن، رضا و امام، سید محمدرضا (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق
- ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی». نشریه فقه جزایی تطبیقی، ۱(۱): ۶۷-۸۲.
- کاشانی، محمدهاشم (۱۳۹۷). نظام عدالت کیفری و تحولات جهانی جرم/نگاری. چاپ اول، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کشاورز، طیه (۱۴۰۰). «امنیت انسانی و پیشگیری اجتماعی در سیاست جنایی ایران». مجله حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۵(۱): ۲۳۳-۲۴۴.
- کوشا، جعفر و پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶). «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی». مجله حقوقی دادگستری، ۸۱(۹۷): ۲۹-۵۲.
- مرادیان، پرویز؛ قاسمی، مسعود و وروایی، اکبر (۱۳۹۸). «جلوه‌های عدالت ترمیمی در شورای حل اختلاف سیاست جنایی ایران (فرصت‌ها و چالش‌ها)». نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲(۳): ۳۷۳-۳۸۷.
- منصوری نعلبندان، علی (۱۳۹۹). «پیشگیری از تکرار و توسعه بزه‌دیدگی توسط پلیس». نشریه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، ۲(۴): ۱۴۲-۱۱۹.
- میرحسینی، علی و شمسی، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «نقش عدالت ترمیمی در حمایت از بزه‌دیده در آیین دادرسی کیفری ایران». فصلنامه مطالعات حقوق کیفری، ۵(۲): ۹۶-۷۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱). جزوه درسی مباحثی در علوم جنایی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی‌اقدام، محمدهادی (۱۳۹۷). عدالت ترمیمی در پرتو جرم‌شناسی نوین. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- وروایی، اکبر؛ محمدی، همت و نوریان، ایوب (۱۳۹۵). «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری». فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۵(۲۸): ۲۷-۴۳.

- هماسی، مهدی (۱۳۹۸). پاسخ‌گویی و نظارت در نظام عدالت کیفری ایران. چاپ اول، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- یاقوتی، ابراهیم و نصیری اقدم، رضا (۱۳۹۸). عدالت ترمیمی / استراتژی سیاست جنایی در پیشگیری از باز رخداد جرم (با نگاهی به آموزه‌های فقهی). تهران: نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی توسعه.

ب. منابع انگلیسی

- McGregor, K (2019). "Putting victims at the heart of the criminal justice system". *The New Zealand Corrections Journal*, 7(1): 205-245.

- Nazila, Ghanea (2012). *Freedom of Expression and Public Morality in Islamic Legal Systems* (1th ed.), UK: Oxford Human Rights Hub.

- Raje, M (2022). "Victim's rights under the Indian criminal law system". Available at: <http://blogs.ipleaders.in/victims-rights-under-the-indian-criminal-law-system>.